

عنوان مقاله:

حضانة از کودکان معلول در اسلام و حقوق بین الملل بشر

محل انتشار:

دوفصلنامه پژوهش نامه اسلامی زنان و خانواده، دوره 11، شماره 3 (سال: 1402)

تعداد صفحات اصل مقاله: 24

نویسندگان:

سید محسن قائمی خرق - دکترای حقوق عمومی، دانشگاه علامه طباطبائی تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

محمد لری نژاد - دکترای حقوق عمومی، دانشگاه آزاد واحد رفسنجان، کرمان، ایران.

سمیه آقایی نژاد - دانشجوی دکترای حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه آیت الله حائری یزدی، میبد، یزد، ایران.

خلاصه مقاله:

با تحول رویکرد حاکم بر حقوق افراد معلول، از حقوق رفاهی و اعطای امتیازات موردی به حق محوری معلولان، الگویی از حضانة نسبت به کودکان معلول صورتبندی شده که با انگاره های فقهی همسویی دارد. براین اساس، پژوهش حاضر با هدف بررسی تطبیقی حضانة کودکان معلول در اسلام و حقوق بین الملل به شیوه تحلیلی- اسنادی انجام شد. نتایج بررسی ها نشان داد که حضانة از محدوده روابط بینافردی (مولی علیه و ولی) خارج شده و به حوزه ای اصالتاً و بدواً نظارت پذیر، تغییر یافته است؛ اما نه آنکه استثناً اقتضای نظارت داشته باشد. همچنین، اصل مصلحت به پیش شرط اقدامات حاضن نظر دارد و نه صرف عدم مفسده و لزوم عیان شدگی مصلحت و پایش مصلحت در همه مراحل (از جمله هدف اقدامات حاضن و نیز نتیجه اقدامات) از ویژگی های آن است. این رویکرد فقه اسلامی تا حدودی با رویکرد کنوانسیون حقوق افراد معلول ناهمسو است؛ زیرا براساس کنوانسیون، بایستی بهترین تفسیر از اراده و ترجیحات فرد معلول، جایگزین تعیین بهترین مصالح وی از سوی حاضن شود. براین اساس، اصل استقلال و مشارکت کودک معلول در تنافی با تشخیص مصلحت برای وی قرار می گیرد؛ به ویژه آنکه مشکلات مربوط به ارزش حقوقی گفتار کودک، چپستی و کیفیت مشارکت او را خدشه پذیر خواهد کرد. همچنانکه برخی سوالات همچون صحت یا عدم صحت انتساب عمل حقوقی شکل گرفته بعد از مشارکت، به کودک معلول و در نتیجه امتناع یا امکان انحلال عمل حقوقی (در زمان کودکی و یا بعد از بلوغ) در حقوق بشر، نیازمند بازاجتهاد فقهی است.

کلمات کلیدی:

کودک معلول، حضانة کودک معلول، کنوانسیون حقوق افراد معلول، فقه اسلامی، تفسیر از اراده و ترجیحات فرد معلول، ارزش حقوق گفتار کودک

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1862561>

